

ریخت شناسی سلامان و ابسال جامی

بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ

لیلا عدل پرور*

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی «ریخت شناسی داستان سلامان و ابسال» بر اساس الگوی ولادیمیر پراپ است. در این مقاله سعی شد نمودار خویشکاری های پراپ و روش ریخت شناسانه وی در داستان سلامان و ابسال، اجرا شود تا مشخص گردد نظریه پراپ چه اندازه با آن انطباق دارد. استخراج کارکردها، تحلیل حکایات بر اساس حرکت‌ها و تعیین ساختار حکایات از اهداف پژوهش محسوب می‌شود. روش تحقیق، توصیفی است و نتایج بر اساس تحلیل محتوا به شیوه کتابخانه‌ای روش پراپ تجزیه و تحلیل شده است. نتیجه بیانگر این است که این داستان دارای بیست و یک کارکرد و چهار حرکت است که با پایان یک حرکت، حرکت دیگر آغاز می‌شود، هر چهار حرکت، ساختاری یکسان و ساده دارند و بسط داستان بدون خویشکاری‌های کشمکش و پیروزی و کار سخت و انجام آن است.

کلید واژه‌ها:

ولادیمیر پراپ، سلامان و ابسال، ریخت شناسی، کارکرد

* - گروه زبان و ادبیات فارسی واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی - ایران.

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۶/۰۴

تاریخ وصول: ۹۴/۱۱/۲۰

۱- مقدمه

اصطلاح ریخت‌شناسی در ادبیات: «تحقیق در ساختارهای آثار ادبی و شناسایی اشکال و گونه‌های آن‌ها است. هر نوع تقسیم‌بندی در ادبیات که بتواند آثار ادبی را بر اساس مشخصه‌هایی ممتاز کند، از مقوله شکل‌شناسی است.» (سرّامی، ۱۳۶۸: ۴)

علم ریخت‌شناسی، نخستین بار توسط ولادیمیر پراپ، مردم‌شناس روسی در حوزه مطالعات ادبی مطرح شد. پراپ در بررسی افسانه‌های جادویی به این نتیجه رسید که شخصیت‌های قصه‌ها مختلف‌اند، ولی عملکردهایی که دارند، محدود است: «اگر چه در این قبیل افسانه‌ها جزئیات زیادی وجود دارد، اما پیکره کلی آن‌ها بر مجموعه اساسی کارکردهای سی و یک گانه بنا شده است.» (سلدن و ویتسون، ۱۳۸۴: ۱۴۱) وی تأکید می‌کند که: «به کمیّت مواد علاقه‌ای نداریم، بلکه به کیفیت مواد دل بسته‌ایم.» (حرّی، ۱۳۸۷: ۱۲)

تحلیل ساختاری، یکی از شگفت‌انگیزترین دستاوردهای نقد ادبی معاصر است: «می‌توان گفت که بررسی ساختاری داستان، به رغم میراثی که از ارسطو تا به امروز به جا مانده تقریباً از کاری که ولادیمیر پراپ روی حکایات پریان روسی انجام داد، شروع شده است.» (اسکولز، ۱۳۸۳: ۹۱) وی در اثر مشهور خویش «ریخت‌شناسی قصه پریان» به بررسی داستان‌های پریان از دیدگاه ساختاری پرداخت. «یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های پراپ، تقسیم‌بندی قصه‌هاست، پژوهشگران پیش از او قصه‌ها را بر مبنای موضوع یا درون مایه طبقه‌بندی می‌کردند، اما وی به دنبال تجزیه ساختار گرایانه قصه‌ها بود.» (مارتین، ۱۳۸۲: ۶۵)

«پراپ در سال ۱۹۲۸ نخستین کتاب خود به نام «ریخت‌شناسی قصه‌های پریان» را به چاپ رسانید. ترجمه کتاب در محافل و در میان فلکلورشناسان با استقبال کم‌نظیری رو برو شد؛ آن را بسیار نقد و تحسین کردند، روش‌های پراپ را، سرمشق قرار دادند و از آن الهام گرفتند و «ریخت‌شناسی» به عنوان یک علم جدید و مفید مورد توجه بسیاری از محققین قرار گرفت.» (خدیش، ۱۳۸۷: ۵۱-۵۲)

با وجود انتقادات بر الگوی پراپ «کم‌تر نویسنده و نظریه پردازی را در زمینه ادبیات می‌توان یافت که به نوعی از شیوه‌ها و دیدگاه‌های پراپ و دنباله روانش تأثیر پذیرفته باشد.» (بیات و دیگران، ۱۳۷۷: ۳)

۱-۲- پیشینه تحقیق

پس از پراپ، مطالعات بسیاری در کشورهای مختلف انجام شد. در ایران پگاه خدیش (۱۳۸۴) در باره ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی ایران تحقیقاتی انجام داد و به نتایج ارزنده‌ای دست یافت.

جلالی پور (۱۳۹۱) در باره ریخت‌شناسی قصه‌های اساطیری و پهلوانی شاهنامه فردوسی بر اساس روش ولادیمیر پراپ تحقیق کرد و به ۲۱ کارکرد دست یافت.

علاوه بر این‌ها مقالاتی نیز در باره ریخت‌شناسی برخی متون نوشته شده است:

خاتمی و جهان‌شاهی افشار (۱۳۸۸) با تحقیق در مورد این که «چرا پهلوان‌نامه‌های پس از شاهنامه مطرح نشده اند؟» نظریه پراپ را در سه داستان حماسی؛ رستم و سهراب، برزو نامه و جهان‌گیر نامه، مورد تحلیل قرار داده است.

روحانی و اسفندیار (۱۳۸۹) در بررسی «قصه قلعه ذات‌الصور مثنوی» نتیجه گرفته‌اند؛ تعداد اعمال به دست آمده در قصه «قلعه ذات‌الصور» به اندازه‌ای است که به صراحت می‌توان گفت: قصه مولانا، تا حد زیادی مطابق با الگوی ریخت‌شناسی پراپ پیش رفته است.

عبّاسی (۱۳۸۹) با «نقد و بررسی قصه گنبد سفید» معتقد است، سازه‌های قصه «گنبد سفید» بر اساس ریخت‌شناسی قصه پریان قابل تنظیم است.

ذوالفقاری (۱۳۸۹) با «ریخت‌شناسی افسانه عاشقانه گل بکاولی» معتقد است با اندک جابه‌جایی در خویشکاری‌ها و حذف برخی، می‌توان نظریه پراپ را در مورد قصه‌های ایرانی و هندی تسری داد.»

کوپا و رفیعی (۱۳۸۹) با «تجزیه و تحلیل حکایاتی از گرشاسب نامه» به نتایجی مشابه با الگوی پراپ دست یافته‌اند.

روحانی و قادیکلایی (۱۳۹۰) در بررسی «قصه دیوان در شاهنامه فردوسی» نشان داده است که الگوی پراپ با این قصه‌ها همخوانی دارد.

طایفی و آتشی پور (۱۳۹۰) در «ریخت‌شناسی حکایت در مجالس سبعه و فیه مافیه» به این نتیجه رسیدند که آن‌ها با تعداد محدودی خویشکاری رو به رو بوده، حکایت کوتاه است، و نویسنده همین که به نتیجه مورد نظر خود رسید، آن را به پایان می‌برد.

محسنی و گورک (۱۳۹۰) در بررسی حکایات «داستان علاءالدین و چراغ جادو» به این نتیجه دست یافتند که رده بندی قصه از طریق مضمون آن امری غیر ممکن است؛ بنابراین ریخت‌شناسی قصه به ما کمک می‌کند قصه‌ها را بر پایه کنش‌های قهرمانان از جهت پیش بردی که در طول قصه دارند؛ مورد بررسی قرار دهیم.

ستاری و خلیلی (۱۳۹۱) «منظومه جهان گیر نامه» را بررسی کرده‌اند. نتایجی که از تحلیل و بررسی این منظومه به دست آمد، اگر چه نه به صورت جزء به جزء و دقیق، ولی بسیار با نتایج تجزیه و تحلیل پراپ مطابقت دارد.

۲- ریخت‌شناسی داستان سلمان و ابسال

۲-۱- معرفی سلمان و ابسال

نورالدین عبد الرحمان ملقب به ابو البرکات و متخلص به جامی (۲۳ شعبان ۸۱۷ - ۱۸ محرم ۸۹۸ ه ق) ملقب به خاتم الشعرا شاعر و عارف بزرگ ایرانی در خرجرد جام متولد شد. برخی از آثار جامی عبارت‌اند از: دیوان قصاید و غزلیات، مثنوی هفت اورنگ، بهارستان، رساله وحدت وجود، شرح مثنوی، نفحات الانس و منشآت و... (عبادزاده کرمانی، ۱۳۷۲: ۵۹)

«دومین مثنوی هفت اورنگ، سلامان و ابسال است که منشأ در اندیشه یونانی دارد و در آثار فیلسوفان مسلمان همچون ابن سینا، خواجه نصیر الدین طوسی و دیگران درباره آن بحثی مستوفی شده است. فیتز جرالده برگردانی از آن را به زبان انگلیسی ترتیب داد؛ ولی باید اذعان داشت که اثر جامی، بهترین اثر روایی داستان است.» (موریسن و دیگران، ۱۳۸۰: ۴۰۹)

در قرن نهم هجری قمری عبدالرحمن جامی (متوفی ۸۹۸ هـ.ق) مثنوی سلامان و ابسال را براساس حکایت حنین بن اسحق به نظم درآورده است؛ هر چند که اختلافات جزئی با همدیگر دارند؛ وی کوتاه‌گونه رموز حکایت را شرح و تفسیر کرده است. (سجادی، ۱۳۸۲: ۱۱۸)

در این مقاله سعی بر این است که داستان سلامان و ابسال جامی بر اساس الگوی ریخت‌شناسی پراپ مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۲-۲- خلاصه داستان سلامان و ابسال جامی

پادشاهی در یونان برای آن که بی وارث نماند به کمک حکیمی خردمند صاحب فرزندی به نام سلامان شد برای شیر دادن فرزندش دایه ای به نام ابسال را انتخاب کرد. سلامان بزرگ شد پس از رسیدن به سن بلوغ ابسال شیفته او شد و با حيله و ترفند سلامان را گرفتار خود کرد. چون پادشاه به فرزندش دستور داد معشوقه‌اش را رها کند. سلامان با معشوقه‌اش از مملکت شاه فرار کرد و بی‌زاد و توشه به پیشه ای پناه برد. شاه با آئینه جهان نمای خود، او را پیدا کرد و با قدرت خود مانع وصال آنها شد. سلامان و ابسال به قصد خودکشی، خود را در آتش افکندند اما شاه، سلامان را نجات داد و ابسال را به حال خود رها کرد تا بسوزد. سلامان در هجر معشوق، بسیار بی‌تابی کرد. شاه از حکیم مشاور خود، یاری خواست و حکیم صورتی از ابسال ساخت تا سلامان کمتر بی‌تابی کند اما مکرر از زیبایی زهره با سلامان سخن گفت. سلامان مشتاق دیدار زهره شد و با دیدن زهره یاد ابسال را از خاطر زدود. پادشاه از سلطنت کناره‌گیری کرد و تاج و تخت را به سلامان داد.

تجزیه و تحلیل داستان سلامان و ابسال بر اساس حرکت‌ها

۲-۳-۱- حرکت اول: داستان پادشاه یونان

۱- α صحنه آغازین	پادشاهی در یونان مثل اسکندر صاحب تاج و نگین بود. ^۱ حکیم
۲- a^3 نیاز به فرزند	دانا را مشاور خود کرد و در امر مملکت با وی مشورت می‌کرد.
۳- B^1 میانجیگر	شبی شاه با خود اندیشید که همه اسباب بزرگی برایش فراهم است
۴- K^3 رفع کمبود	به غیراز فرزندی که جانشین وی باشد. ^۲ با کمک و تدبیر حکیم ^۳ ، صاحب فرزندی به نام سلامان شد و مشکلش حل شد. ^۴

این حرکت از نظر محتوا از نوع چهار نمودار پراپ؛ یعنی بسط حرکت بدون هیچ یک از خویشکاری های H-I و M-N می‌باشد. داستان پادشاه یونان یک قصه ساده یک حرکتی است که با نیاز پادشاه به داشتن فرزند آغاز و با میانجی‌گری حکیم و رفع کمبود خاتمه می‌یابد. پراپ نمودار این نوع بسط را بدین گونه ارائه کرده است: (A B C \uparrow D E F G K \downarrow) (Pr Rs* Q Ex T U W • (پراپ، ۲۰۶)

نمودار حرکت اول: $a^3 B^1 K^3$

به علت عدم بسط داستان بسیاری از خویشکاری های پراپ در این حرکت حذف شده است.

۲-۳-۲- حرکت دوم: داستان سلامان و ابسال

۱- A^3 مجبور کردن به ازدواج	سلامان را به دایه ای به نام ابسال سپردند؛ سلامان بزرگ
۲- η^1 نیرنگ و اغوای شیرین	شد. ابسال با دیدن حسن وی شیفته او شد. ^۱ با نیرنگ و
۳- θ^1 همکاری ناخواسته	فریب ^۲ خواست، دل سلامان را به دست آورد، سلامان
۴- B^A لحظه های پیوند دهنده	ناخواسته، فریب ابسال را خورد ^۳ و پنهانی با ابسال ملاقات
۵- β^3 غیبت	کرد ^۴ و از خدمت کردن به پادشاه، باز ماند. ^۵ اطرافیان پادشاه،
۶- \S آگاهانیدن	وی را از عشق سلامان و ابسال آگاه کردند. ^۶ پادشاه سلامان
۷- ε^3 خبرگیری	را به پیش خود خواند و از او، پرس و جو کرد ^۷ و اطمینان

۸- ζ^3 خبردهی	حاصل کرد خبری که به او دادند کاملاً راست بود. ^۸ پادشاه و
۹- γ^1 نهی و قدغن	حکیم سلمان را از این عشق بر حذر داشتند ^۹ ، اما سلمان
۱۰- δ^1 نقض نهی	پاسخ داد راه خلاصی ازین عشق، ندارد. 'سلمان وقتی از
۱۱- $C \uparrow$ مقابله آغازین	نصیحت‌های حکیم و پدرش خسته شد تصمیم گرفت ^{۱۱} فرار
۱۲- G^2 انتقال به سرزمین دیگر	کندو به سرزمین دیگری رود ^{۱۲} .

این حرکت از نظر محتوا از نوع چهار نمودار پراپ؛ یعنی بسط حرکت بدون هیچ یک از خویشکاری های H-I و M-N است. این حرکت با شرارت اغواگری شریر برای مجبور کردن قهرمان به ازدواج شروع شده و با فرار قهرمان و شریر، ادامه یافته و با انتقال به سرزمین دیگر ناتمام می‌ماند.

نمودار حرکت: $A^3 \square \delta^1 \gamma^1 \zeta^3 \varepsilon^3 \beta^3 \wedge B^1 \delta^1 C \uparrow G^2$

در این نمودار عناصر خویشکاری های پراپ با همان توالی دیده می‌شود اما به علت ناتمام ماندن داستان برخی از خویشکاری ها در این داستان حذف شده است.

۲-۳-۳- حرکت سوم: پایان داستان سلمان و ابسال

۱- a^1 نیاز به فرزند	با رفتن سلمان، پدرش فقدان وی را بیشتر احساس می‌کند ^۱
۲- B^v نوحه سرایی	و در فراق وی، نوحه سرایی می‌کند ^۲ و در مورد وی، پرس و
۳- ε^3 خبرگیری	جو می‌کند ^۳ اما هیچ کس خبری از وی ندارد. با آئینه گیتی
۴- F دریافت عامل جادویی	نمای خود، سلمان را پیدا می‌کند ^۴ و با دیدن خوشی آن‌ها،
۵- ζ^3 خبردهی	دلش به رحم آمده وسایل معاش آن‌ها را فراهم می‌کند ^۵ . پس
۶- D^4 بخشش و یاری	از گذشت مدتی پادشاه با رفتن سلمان متوجه می‌شود ^۶ تخت
۷- \S آگاهی از فقدان سلمان	پادشاهی، دوباره بی وارث و جانشین شده است با قوت همّت
۸- E^8 تدبیر	خود مانع وصال آن‌ها می‌شود ^۸ . وقتی سلمان متوجه می‌شود
۹- \downarrow بازگشت	این مشکل به خاطر پدرش است با عذر و توبه پیش پدر باز
۱۰- B^8 لحظه های پیوند دهنده	می‌گردد. ^۹ پادشاه از ملاقات پسرش خوشحال شده ^{۱۰} ، از وی

۱۱- γ^1 نهی و قدغن	می خواهد از این عشق دست بردارد ^{۱۱} اما سلامان به توصیه پدر
۱۲- δ^1 نقض نهی	گوش نمی کند ^{۱۲} و تصمیم می گیرد، خودکشی کند و همراه
۱۳- $C\uparrow$ عزیمت	ابسال وارد آتش می شود. ^{۱۳} هدف پادشاه که کشتن ابسال بود،
۱۴- R_s نجات	سلامان را نجات می دهد ^{۱۴} و ابسال را به حال خود، رها می کند
۱۵- U مجازات شریر	تا مجازات شود ^{۱۵} و با مردن ابسال، شرارت وی برای اغوای
۱۶- K^{13} رفع شر	سلامان به ازدواج اجباری، خاتمه می یابد. ^{۱۶}

این حرکت از نظر محتوا از نوع چهار نمودار پراپ؛ یعنی بسط حرکت بدون هیچ یک از خویشکاری های H-I و M-N است. این حرکت با نیاز پادشاه به دیدن فرزند شروع شده و با بازگشت سلامان به نزد پدرش ادامه می یابد و با مجازات شریر و رفع شر خاتمه می یابد.

نمودار حرکت: $a^6 B^v \varepsilon^3 F \zeta^3 D^4 \downarrow E^8 B^8 \gamma^1 \delta^1 C\uparrow R_s U K^{13}$

در این نمودار عناصر خویشکاری های پراپ با همان توالی دیده می شود اما برخی از خویشکاری ها در این داستان حذف شده است.

۲-۳-۴- حرکت چهارم: داستان سلامان و زهره

۱- a^1 نیاز به همسر	پس از مردن ابسال، سلامان از فقدان ^۱ او نوحه سرایی
۲- B^v نوحه سرایی	می کند ^۲ هر شب در کنج خانه با خیال ابسال، گفتگو
۳- S گفتگو	می کند. ^۳ پادشاه را از حال پسرش باخبر می کنند. ^۴ پادشاه
۴- S آگاهانیدن	از حکیم درخواست می کند برای رهایی سلامان از این
۵- D^4 درخواست بخشنده	مشکل، چاره ای بیندیشد ^۵ و حکیم تدبیری می اندیشد و
۶- E^8 تدبیر حکیم	تصویری از ابسال می سازد ^۶ و سلامان با دیدن آن، کمتر
۷- η^1 نیرنگ و اغوا و گفتگ	بی تاب می کند. حکیم در ضمن سخنان خود، مکرر از
۸- θ^2 همکاری ناخواسته	زیبایی زهره با سلامان صحبت می کند ^۷ تا این که سلامان
	به زهره علاقه مند می شود. ^۸ وقتی حکیم، از علاقه

۹- § آگاهانیدن	سلمان به زهره باخبر می‌شود ^۹ از زهره می‌خواهد تا با
۱۰- η ^۱ نیرنگ و اغوا	جلوه‌گری دل سلمان را به دست آورد. ^{۱۰} سلمان
۱۱- θ همکاری ناخواسته	شیفته زهره شده ^{۱۱} ، ابدال را فراموش می‌کند ^{۱۲} و با وی
۱۲- K ^۱ رفع کمبود	ازدواج می‌کند و بر تخت پدر می‌نشیند. ^{۱۳}
۱۳- W * ازدواج و سلطنت	

این حرکت از نظر محتوا از نوع چهار نمودار پراپ؛ یعنی بسط حرکت بدون هیچ یک از خویشکاری‌های H-I و M-N است. این حرکت با مصیبت فقدان ابدال و نوحه سرایی سلمان به خاطر وی شروع شده با تدبیر حکیم برای رهایی سلمان از این مصیبت، ادامه یافته و با علاقه‌مندی سلمان به زهره و ازدواج با وی خاتمه می‌یابد.

نمودار حرکت: $a^1 B^y D^4 \square \square \theta^2 \xi \square \theta K^1 W^* *$

در این نمودار عناصر خویشکاری‌های پراپ با همان توالی دیده می‌شود اما بسیاری از خویشکاری‌ها در این داستان حذف شده است.

۲-۴- خویشکاری‌ها و عناصر اصلی و پیوند دهنده

پراپ واحدهای سازنده روایت را «کارکرد» نامید. که مترجمان فارسی زبان (function) را به کارکرد، خویشکاری، کنش و نقش ویژه ترجمه کرده‌اند... «خویشکاری یا کارکرد یعنی عمل شخصیتی از اشخاص قصه که از نقطه نظر اهمیتی که در جریان عملیات دارد تعریف می‌شود.» (پراپ، ۱۳۸۶: ۵۲)

«خویشکاری‌ها اجزای سازنده حکایت هستند که جریان حکایت بر عهده آن‌ها است.» (پارسا، ۱۳۸۹: ۵۷) وی به سی و یک کارکرد دست یافت. و برای هر کارکرد، نمادی خاص تعیین کرد.

جدول شماره (۱-۱) خویشکاری پراپ

۱	غیبت β	۱۲	اولین بخشنده D	۲۳	رسیدن به صورت ناشناس O
۲	قدغن δ	۱۳	واکنش قهرمان E	۲۴	ادعای قهرمان دروغین L
۳	سرپیچی γ	۱۴	دست یابی به وسیله سحر آمیز F	۲۵	کار سخت M
۴	خبرگیری ϵ	۱۵	انتقال به سرزمین دیگر G	۲۶	انجام کار سخت N
۵	خبردهی ζ	۱۶	مبارزه H	۲۷	شناسایی Q
۶	نیرنگ η	۱۷	علامت گذاری J	۲۸	افشاگری E _x
۷	همکاری ناخواسته θ	۱۸	پیروزی I	۲۹	تغییر شکل T
۸	کمبود a یا شرّ A	۱۹	رفع شرّ K	۳۰	مجازات U
۹	میانجیگری B	۲۰	بازگشت ↓	۳۱	عروسی W
۱۰	مقابله آغازین C	۲۱	تعقیب Pr		
۱۱	عزیمت ↑	۲۲	نجات R _s		

هر یک از این سی و یک کارکرد دارای زیر مجموعه‌هایی هستند که فهرست کامل آن در کتاب ریخت شناسی پریان آمده است. «کارکردها و سازه‌ها به مثابه بخش بندی جمله به واج‌ها و تک واژه‌ها هستند، اما دقت آن را ندارند.» (تسلیمی، ۱۳۸۸: ۶۸)

«پراپ برای تحلیل ساختاری جزئیات را مد نظر قرار داد. توجه بیش از حد او به این عناصر، سبب شده تا برخی از محققان آن را به مثابه چیدن آجرهای ساختمانی در نظریه او تلقی کنند.» (هارلند، ۱۳۸۵: ۲۴۷)

وی معتقد است «خویشکاری‌ها عناصر بنیادی قصه را تشکیل می‌دهند، عناصری که جریان عملیات قصه بر روی آنها ساخته می‌شود. در کنار این‌ها، اجزای سازایی هستند که گر چه تکامل و پیشرفت عملیات قصه را تعیین نمی‌کنند، با وجود این دارای اهمیت فراوان هستند.» (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۴۵) وی این عناصر را، عناصر پیوند دهنده می‌نامد.

از سی و یک کارکرد پراپ، بیست و چهار کارکرد در داستان سلامان و ابدال وجود دارد که بیست و یک کارکرد اصلی و سه کارکرد جزء عناصر پیوند دهنده، محسوب می‌شوند.

جدول (۱-۲) کارکردهای اصلی و پیوند دهنده داستان سلمان و اِسال:

۱	a	نیاز	۱۳	ε	خبرگیری
۲	B	میانجیگری یاریگر	۱۴	ζ	خبردهی
۳	K	رفع کمبود	۱۵	F	ابزار جادویی
۴	A	شرارت	۱۶	D	بخشنده
۵	η	کارکرد فریب کاری یا نیرنگ	۱۷	E	تدبیر
۶	θ	همکاری ناخواسته	۱۸	↓	بازگشت
۷	β	غیبت	۱۹	R _s	نجات
۸	γ	کارکرد قدغن	۲۰	U	مجازات
۹	δ	کارکرد نقض نهی	۲۱	W	عروسی
۱۰	C	مقابلهٔ آغازین	۲۲	§	گفت و گو
۱۱	↑	عزیمت و فرار	۲۳	§	آگاهانیدن
۱۲	G	انتقال به سرزمین دیگر	۲۴	§	انگیزه

۲-۵- همسانگردی

مراد پراپ از همسانگردی، مواردی است که یک خویشکاری واحدی، معنای

ریخت‌شناسی دو گانه ای دارد.» (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۴۵)

در داستان سلمان و اِسال مواردی از همسانگردی خویشکاری ها مشهود است به عنوان

مثال:

۲-۵-۱- پادشاه یونان با رفتن سلمان(β) متوجه می شود تخت پادشاهی دوباره بی وارث و

جانشین شده است، از فقدان سلمان، آگاه شده و کمبود وی را احساس می کند(a):

تا که گردد، سربلند از افسرش...

وقت شد زین حال ناخوش، ناخوشش

(جامی، ۱۳۸۲: ۱۷۷)

ماند خالی ز افسرِ شاهی، سرش

در درون افتاد ازین غم، آتشش

۲-۵-۲- پادشاه یونان با رفتن به خاطر فقدان وی، ناراحت شده، تدبیری می‌اندیشد (E) و با قوتِ همتِ خود مانع وصال آن‌ها می‌شود و با ایجاد مانع بر سر وصال آنها به نوعی در ایجاد شرارت نیز دست دارد (A):

بر سلامان، قوتِ همتِ گذاشت تا ز ايسالش، بکلی باز داشت
(همان، ۱۷۷)

۲-۵-۳- بازگشت (↓): با بازگشت سلامان و ملاقات وی با پدرش غم هجران وی (k^1) رفع می‌گردد.

ترس ترسان در پدر، آورد روی توبه کار و عذر خواه و عفو جوی
آری آن مرغی که باشد، نیکبخت آخر آرد، سوی اصلِ خویش، رخت
(همان، ۱۷۸)

۲-۵-۴- حکیم به عنوان یاریگر و میانجیگر (B) مکرر از زیبایی زهره با سلامان صحبت می‌کند (§) و با سخنان خود سعی در اغوای سلامان دارد و به نوعی، در شرارت افسون کردن وی، نقش دارد (آ):

گاه گاهی چون سخن پرداختی وصف زهره، در میان انداختی
زهره، گفתי، شمع جمع انجم است پیش او حسن همه خوبان، گم است
(همان، ۱۸۴)

۲-۶- بسط داستان و ترکیب حرکت‌ها

پراپ پس از تقسیم حرکت‌های قصه بر اساس نوع ترکیب آنها، تقسیم بندی دیگری از حرکت‌های قصه ارائه می‌کند و آن تقسیم حرکت‌ها از نظر موضوع و محتوای آنهاست. بر این اساس، ما، شاهد چهار نوع حرکت در داستان هستیم:

۱- بسط از طریق خویشکاری H-I (جنگ و کشمکش)

۲- بسط از طریق خویشکاری M-N (انجام دادن کار دشوار)

۳- بسط از طریق دو خویشکاری H-I و M-N (کشمکش و کار دشوار)

۴- بسط بدون هیچ یک از اینها. (پراپ، ۱۳۸۶: ۲۰۱)

جدول (۱-۳) نوع بسط داستان و نوع ترکیب حرکت‌ها

نوع ترکیب حرکت‌ها		بسط سلمان و ابسال		بسط پراپ		
شماره حرکت‌ها	پایان	آغاز	شماره حرکت	بسامد	نوع بسط	ردیف
۱	K ^۳	a ^۳	۰	۰	(H-I)	۱
۳	K ^{۱۳}	a ^۱	۰	۰	(M-N)	۲
۴	w [*]	a ^۱	۰	۰	(M-N, H-I)	۳
۲	G ^۲	A ^{۱۳}	۴، ۳، ۲، ۱	۴	بدون (M-N, H-I)	۴

۷-۲- شخصیت‌های قصه سلمان و ابسال براساس نظریه پراپ

شخصیت‌ها، افرادی هستند که در یک نمایش نامه یا اثر روایی، دارای ویژگی اخلاقی و آگاهانه پیش شناخته‌اند. این ویژگی‌ها در گفتار و عملشان نشان داده می‌شود. (عبداللّه‌پیان، ۱۳۸۰: ۵۲) «مهم‌ترین عنصر منتقل‌کننده تم داستان و عامل مهم طرح داستان، شخصیت داستانی است.» (یونسی، ۱۳۸۴: ۳۳)

براهنی عقیده دارد «عامل شخصیت محوری است که تمامیت قصه بر مدار آن می‌چرخد. کلیه عوامل دیگر، عینیت، کمال، معنا و مفهوم و حتی علت وجودی خود را از عامل شخصیت کسب می‌کنند» (براهنی، ۱۳۶۸: ۲۴۲)

یکی از مباحث اصلی درباره شخصیت، تقسیم بندی انواع شخصیت است. در تقسیم بندی پراپ هفت نوع شخصیت مطرح است:

«۱- قهرمان: دلاوری جستجوگر است. گاه او قربانی توطئه‌ها می‌شود و او را «قهرمان قربانی» می‌نامند.

۲- شاهدخت: زنی نیکو کار که قهرمان در جستجوی اوست.

۳- بخشنده یا پیشگو: که نخست آزمایشگر قهرمان است و سپس یاور او می‌شود.

- ۴- یاریگران: دوستان و حامیان قهرمان
- ۵- فرستنده: شخصییتی که قهرمان را به مأموریت می فرستد.
- ۶- بد کار و شریر: کنش گری که دشمن قهرمان است.
- ۷- قهرمان دروغین یا شیاد: که خود را به جای قهرمان، معرفی می کند. (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۴۵)
- این شخصییت ها براساس الگوی ذکر شده در سلامان و ابسال به ترتیب زیر می باشند:
- ۲-۷-۱- قهرمان: قهرمان اول داستان پادشاه یونان است که به خاطر نداشتن فرزند تعادل زندگیش بر هم می خورد و قهرمان دوم داستان، سلامان پسر پادشاه، قهرمان جستجوگری است.
- ۲-۷-۲- شاهدخت: شاهدخت داستان سلامان و ابسال، زهره است که حوزه عملیات وی بسیار محدود است و با میانجیگری و سخنان حکیم سلامان به وی علاقه مند می شود و با او ازدواج می کند.
- ۲-۷-۳- بخشنده: حکیم به عنوان بخشنده به پادشاه کمک می کند و در خواست وی را می پذیرد.
- ۲-۷-۴- یاریگران: حکیم یاریگری است که از اول تا پایان داستان پادشاه و سلامان را یاری می کند.
- یاریگر دیگر، پدر سلامان است که وقتی در آئینه جهان نمای خود نظر می افکند و عسرت و خوشی سلامان و ابسال را می بیند، تمام اسباب رفاه و آسایش آن ها را فراهم می کند.
- ۲-۷-۵- فرستنده: در داستان سلامان و ابسال کسانی که قهرمان را به جستجو وا می دارند حکیم و پادشاه اند که ملامت آن ها باعث می شود عرصه بر سلامان تنگ شده ، اقدام به فرار و خودکشی کند.
- ۲-۷-۶- شریر: ابسال است که با نیرنگ، سلامان را وادار می کند با وی ازدواج کند.
- ۲-۷-۷- قهرمان دروغین یا ضد قهرمان: ضد قهرمان در این داستان وجود ندارد.

۲-۸- ساختار کلی حکایت سلمان و ابسال

در بعضی پژوهش‌های مضمونی سه مرحله در داستان جدا می‌شود:

۱- صحنه آغازین یا تعادل اولیه

۲- مرحله شر یا برهم خوردن تعادل اولیه

۳- ایجاد تعادل مجدد (تقوی ، ۱۳۷۶: ۳۸۲)

صحنه آغازین توصیفی از جزئیات عرضه می‌دارد، گاهی بر خوشبختی و رفاه زندگی تأکید می‌کند. این خوشبختی و بهروزی طبیعتاً به مثابه زمینه متضادی است برای بدبختی و روزگار سختی که از پس فرا می‌رسد. (پراپ، ۱۳۶۸: ۶۲)

جدول (۱-۴) ساختار کلی حکایت

تبادل اولیه	سلمان بزرگ می‌شود و در حدت فهم، چوگان بازی، کمانداری مهارت دارد.
برهم خوردن تعادل	ابسال با ابراز عشق و عشوه‌گری وی را فریب می‌دهد.
حالت تعادل ۱	سلمان گاه و بیگاه با ابسال ملاقات می‌کند.
شر ۱	با ملامت پادشاه و حکیم، عرصه بر سلمان، تنگ شده، فرار می‌کند.
حالت تعادل ۲	سلمان و ابسال در بیشه ای ساکن می‌شوند.
شر ۲	پادشاه با همت خود، مانع وصال آن‌ها می‌شود.
برهم خوردن تعادل	سلمان و ابسال خود را در آتش می‌اندازند، با مردن ابسال، سلمان تنها می‌ماند.
تدبیر حکیم	با تدبیر حکیم، سلمان به زهره، علاقه مند شده، ابسال را فراموش می‌کند.
تعادل نهایی	سلمان با زهره ازدواج می‌کند و بر تخت پادشاهی پدر می‌نشیند.

۳- نتیجه گیری

در این نوشتار، سعی شد الگوی پیشنهادی پراپ، با داستان سلامان و ابسال جامی تطبیق داده شود و نتایج آن با نتایج کار پراپ مقایسه گردد.

۳-۱- بررسی کارکردهای سلامان و ابسال، بیانگر این است که؛ با وجود جا به جایی کارکردها از سی و یک کارکرد پراپ بیست و یک کارکرد در داستان سلامان و ابسال وجود دارد. در برخی کارکردها پدیده همسانگردی مشهود است یعنی یک کارکرد معنی ریخت شناسی دو گانه دارد.

۳-۲- حرکت های داستان سلامان و ابسال بر اساس مورد (۱) از تقسیم بندی پراپ می باشد. یک حرکت مستقیماً حرکت دیگر را دنبال می کند:

آغاز ← حرکت ۱ ← حرکت ۲ ← حرکت ۳ ← حرکت ۴ ← پایان

۳-۳- با بررسی جدول (۱-۳) مشخص می شود نوع بسط داستان از نوع چهار تقسیم بندی پراپ است، یعنی؛ داستان بدون خویشکاری های H-I (جنگ و کشمکش) و خویشکاری های M-N (انجام دادن کار دشوار) بسط و گسترش یافته است و از چهار حرکت دو حرکت آغاز و پایان مشترک دارند.

۳-۴- از هفت شخصیت مطرح شده در الگوی پراپ شش شخصیت در این داستان وجود دارد و ضد قهرمان در این داستان نیست.

نتایجی که از تجزیه و تحلیل منظومه سلامان و ابسال به دست آمد اگر چه نه به صورت جزبه جز و دقیق، اما بسیار با نتایج تجزیه و تحلیل پراپ مطابقت دارد و الگوی ساختاری این داستانها موافق با الگوی قصه های عامیانه پراپ است.

فهرست منابع و مآخذ:

الف) کتابنامه:

- ۱- احمدی، بابک، (۱۳۸۶)، *ساختار و تاویل متن*، تهران: مرکز، چاپ نهم.
- ۲- اسکولز، رابرت، (۱۳۸۳)، *در آمدی بر ساختارگرایی در ادبیات*، تهران، انتشارات آگه، چاپ دوم.
- ۳- براهنی، رضا، (۱۳۸۶)، *قصه نویسی*، تهران، انتشارات البرز، چاپ چهارم.
- ۴- پراپ، ولادیمیر، (۱۳۸۶)، *ریخت‌شناسی قصه پریان*، تهران، ترجمه فریدون بدره‌ای، توس، چاپ دوم.
- ۵- تسلیمی، علی، (۱۳۸۸)، *نقد ادبی؛ نظریه‌های ادبی و کاربرد آن در ادبیات فارسی*، تهران، کتاب آمه، چاپ اول.
- ۶- تقوی، محمد، (۱۳۷۶)، *حکایت‌های حیوانات در ادب پارسی*، تهران، نشر روزنه، چاپ اول.
- ۷- جامی، عبدالرحمن، (۱۳۸۲)، *سلمان و ابسال*، با مقدمه محمد روشن، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول.
- ۷- جلالی پور، بهرام، (۱۳۹۱)، *ریخت‌شناسی قصه‌های اساطیری و پهلوانی شاهنامه فردوسی بر اساس روش ولادیمیر پراپ*، تهران، انتشارات افراز، چاپ اول.
- ۸- خدیش، پگاه، (۱۳۸۷)، *ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- ۹- سجّادی، سید ضیاءالدین، (۱۳۸۲)، *حی بن یقضان و سلمان و ابسال*، تهران، انتشارات سروش، چاپ دوم.
- ۱۰- سرّامی، قدمعلی، (۱۳۶۸)، *از رنگ گل تا رنج خار (شکل‌شناسی قصه‌های شاهنامه)*، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ اول.
- ۱۱- سلدن، رامن و ویتسون، پیتر، (۱۳۸۴)، *راهنمای نظریه‌های ادبی معاصر*، ترجمه عباس مخبر، تهران، انتشارات طرح نو، چاپ اول.

- ۱۲- عبادزاده کرمانی، محمد، (۱۳۷۲)، *فرهنگ سازان*، انتشارات قصه جهان نما، چاپ دوم.
- ۱۳- عبداللهیان، حمید، (۱۳۸۰)، *شخصیت و شخصیت پردازی در داستان معاصر*، انتشارات آن، چاپ اول.
- ۱۴- مارتین، ولاس، (۱۳۸۲)، *نظریه‌های روایت*، تهران، ترجمه محمد شهباز، هرمس، چاپ اول.
- ۱۵- موريسن، جرج، و دیگران؛ جولیان بالدیک، محمد رضا شفیعی کدکنی، یرژی چیپک، یان ماریک، فلیکس تاور، (۱۳۸۰)، *ادبیات ایران از آغاز تا امروز*، ترجمه یعقوب آژند، نشر گستره، چاپ اول.
- ۱۶- هارلند، ریچارد، (۱۳۸۵)، *پیش درآمدی تاریخی بر مطالعه نظریه ادبی از افلاطون تا بارت*، تهران، گروه مترجمان زیر نظر شاپور جورکش، چاپ دوم، نشر چشمه.
- ۱۷- یونسی، ابراهیم، (۱۳۸۴)، *هنر داستان نویسی*، تهران، انتشارات نگاه، چاپ هشتم.

ب) مقالات

- ۱۸- بیات، سعید رضا و همکاران، (۱۳۷۷)، *ریخت شناسی و ریشه شناسی*، کتاب ماه (هنر)، ش ۲، صص ۱۴-۱۲.
- ۱۹- حرّی، ابوالفضل، (۱۳۸۷)، *پراپ*، *پیش گام نظریه روایت: سه دیدگاه با نگاهی به داستان اولین اثر جویس*، کتاب ماه (ادبیات)، ش ۱۳۵، صص ۲۳-۱۶.
- ۲۰- خاتمی، احمد، و جهان شاهی افشار، علی، (۱۳۸۸)، *چرا پهلوان نامه‌های پس از شاهنامه مطرح نشده‌اند؟*، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، تهران، سال پنجم، شماره ۱۵، ص ۵.
- ۲۱- ذوالفقاری، حسن، (۱۳۸۹)، *ریخت شناسی افسانه گل بکاولی*، فصلنامه فنون ادبی دانشگاه اصفهان، سال دوم، شماره ۱، صص ۶۲-۴۹.
- ۲۲- روحانی، مسعود و اسفندیار، سبیکه، (۱۳۸۹)، *ریخت شناسی قصه قلعه ذات‌الصّور در مثنوی طبق نظریه ولادیمیر پراپ*، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۵۳، شماره ۲۲۰، صص ۸۳-۶۷.

- ۲۳- روحانی، مسعود و عنایتی قادیکلایی، محمد، (۱۳۹۰)، بررسی قصه دیوان در شاهنامه فردوسی براساس نظریه ریخت‌شناسانه ولادیمیر پراپ، پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال سوم، شماره ۱، ص ۱۰۵-۱۲۲.
- ۲۴- ستاری، رضا و خلیلی، احمد، (۱۳۹۱)، تحلیل منظومه‌های جهان‌گیرنامه براساس نظریه ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ، فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره ۳۳، ص ۱۹۲-۱۶۹.
- ۲۵- طایفی، شیرزاد و آتشی‌پور، مرضیه، (۱۳۹۰)، ریخت‌شناسی حکایت در مجالس سبعه و فیه مافیه، فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی، سال پنجم، شماره ۱۲، ص ۱-۳۳.
- ۲۶- کوپا، فاطمه و رفیعی سخایی، نوشین، (۱۳۸۹)، شکل‌شناسی سه داستان از گرشاسب‌نامه براساس نظریه پراپ، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، سری ۶، شماره ۱۹، ص ۱۶۴-۱۳۹.
- ۲۷- محسنی، شهباز و گورک، کیوان، (۱۳۹۱)، ریخت‌شناسی داستان علاءالدین و چراغ جادو، فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره ۳۳، ص ۱۴۵-۱۳۱.